

# دیرینگی زیست اخلاقی نیاکان پیش‌تاریخی ما

## راهنمای

زندگی و خردمندانه قرار داریم. چنانکه در پیش گفته آمد تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما و سرگذشت تاریخی ما گرانبار از رنگارنگی، عیب و هنر، نیک و بد، افهام راست و اوهام ناراست، فکرها و فعل‌های آراسته به فضیلت‌های اخلاقی و آلوده به انواع زدیلت‌ها و تناقض‌ها و کشمکش‌ها بوده و همچنان است و ره می‌سپارد. جغرافیا و زیست اقلیم و عالمی درهم تنیده از تضادها و تناقض‌ها و تنوع و تلون، مهم این است که در این میان و در آورده‌گاه حضور تاریخی انسان در جهان در هر عصر و عهدی کفه ترازوی کدامین بر کدامین سنگین و چپ‌تر بوده است.

به سخن ژرف و نغز و مغز و شیرین و دلنشین عارف و شاعر روشن ضمیر بلخی خراسانی ما حضرت مولوی در مشوی:

زان جهان اندک ترشح می‌رسد  
تا نغز در جهان حرص و حسد  
گر ترشح بیشتر گردد ز غیب  
نی هنر ماند در این عالم نه عیب

مناسبت میان اخلاق و آزادی و مسئولیت نیز ریشه‌ای و بنیادین است، البته و صدالبته اخلاق در معنای ژرف و ریشه‌های و سرچشمه و اولیه و بنیادین آن نه امر ثانوی و دستوری و اخلاق پایدا و بنیادها. اخلاق در معنای ریشه‌ای و اولیه و سرچشمه‌ای آن با آزادی عمل و احساس مسئولیت مناسب عمیق و ریسط و وثیق دارد. آنکه از جان خود می‌گذرد برای رهایی و نجات جسان دیگری زندگی خود را به خطر می‌افکند و فدای دیگری می‌کند؛ در آوردگاهی گام نهاده است که اختیار و انتخاب و اراده و عزم و تصمیم آزاد او و دلیری عمل و کنش آزاد و آزادگی منش او با احساس عمیق مسئولیت به سرنوشت دیگری و با احساس و عاطفه و فکر و فعل اخلاقی او چنان به هم در تنیده و همسور و همراه شده‌اند که تفکیکشان یا خرد و منطق و اخلاق در معنای اولیه و بنیادین آن سزاگار نیست. اخلاق در معنای اولیه و سرچشمه‌ای و ریشه‌ای و بنیادین آن با آزادی و مسئولیت دور روی از یک سکه زرین انسان بودن ما را چنان مستند می‌کند که اخلاق و مسئول و مختار بیان کرده و در تاریخ باز نموده‌اند. آزادی، مسئولیت‌خیز است. ما از جانوران حیات وحش انتظار نداریم مسئولانه رفتار کنند چون می‌بایست نه مختار. اخلاق آزادی و آزادی اخلاق شانه به شانه هم می‌سایند و همبودی میانشان ژرف است و ریشه‌ای.

پس به دیگر آنکه مدارک و شواهد بسیار در دست است و گواهی می‌دهند؛ در پرتگاه‌های خنجر خنجر و مناظره‌انگیز تاریخ هیچ زوالی، هیچ سقوطی غم‌انگیز تر و نرجاک‌تر و پیامدش پر هزینه و خسارت‌بارتر و هلاکت‌بارتر از زوال و انحطاط و سقوط اخلاقی جامعه‌ها در تاریخ، فرهنگ و جهان بشری ما نبوده است.

زوال و انحراف و انحطاط و سقوط اخلاقی چه علت و دلیل سویه‌ها و سبب‌های دیگر زندگی و تجربه‌های زیسته ما، چه معلول و مدلول، زوال و انحطاط و سقوط سویه‌ها و لایه‌ها و سپهرهای دیگر زندگی و زیست اقلیم و عالم بشری ما پیامدشان در تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما بسیار سنگین و سهمگین و پرهزینه و هلاکت‌بار بوده است. متأسفانه احساس می‌کنیم یک بار دیگر به طرز غم‌انگیز و نگران‌کننده تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان ما پرتشاب و غم‌انگیز، بی‌مهار و بی‌همیز در مسیر زوال و انحطاط به سوی سقوط در پرتگاه‌های تاریخ گام بر می‌گیرد و ره می‌سپارد. برهنه و تهی شدن جامعه و جهان ما از اخلاق و زیست اخلاقی، چالشی است بس عظیم و غم‌انگیز و نگران‌کننده. چالشی که زوال و انحراف و انحطاط و سقوط سویه‌ها و لایه‌ها و سپهرهای دیگر تجربه‌های زیسته و زیست جهان ما اعم از هنر و هنرمندانی و کنش‌ها و کنش‌ها و خیزش‌های اخلاق هنری و چشش‌های ذوقی و زیبایی‌شناختی و دانش و نادانی و خرد و خردمندانی و سنت‌های دینی و تجربه‌ها و دریافت‌ها و دستاوردهای عمیق و ریشه‌ای و سرچشمه‌ای و معنوی و وجودی انسان از امر قدسی و ماوراء و مراتب غیبی و قدسی و متعالی و رازآمیز و رازانگیز را به دنبال داشته است. برای نخستین بار، احساس می‌کنیم همه سویه‌ها و سپهرهای تجربه‌های زیسته و زیست اقلیم و عالم بشری ما و دستاوردهای عظیم علمی و فنی و فناوری‌های بی‌سابقه‌اش علیه او در مسیر نابودی و انقراض او به حرکت درآمده‌اند و هر آن این خطر در کمین است با فشار کمه‌ای که جهان تاریخ، به سوی نابودی و هلاکت و انقراض رانده و کشانده شود و پایان پذیرد. وقتی حسسی از پاکیزگی، از شرم و اخلاق و ادب و آداب حیامندانه زیستن، وقتی حس و کشش و نظم وقتی کشش و کنش و خیزش و چشش از زیبایی و به سوی خلق آثار زیبا و والا و وقتی حس و فکری و فعلی از مسئولیت به سرنوشت دیگری به جامعه‌ای را که آغوش آن زاده شده‌ایم به صیانت از موارث طبیعی و حفاظت و مراقبت از موارث فرهنگی که رایگان دریافتشان کرده‌ایم، در جان ما در وجدان ما در روان و رفتار ما نیست؛ وقتی حسسی از گذشت و فداکاری در جان ما غایب است و به جان و وجدان بیگانه و روان و رفتار ما تهی از اخلاق و ادب زندگی و برهنه از زیست اخلاقی و غریبه و نامأنوس به کنش و کشش و چشش و منش نیک‌زیستن و نیک‌خواه مردمان بودن و کثیری از مصادیق دیگر، همه صورت و سیمای غم‌انگیز و دلگیر و کریه و هراسناک و کابوسناک انحطاط و سقوط اخلاقی هم خود ما هستند و هم جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم.



و پیشینگی گشودگی و افتتاح جغرافیای تاریخی و فرهنگی و فرهنگ مند انسان روی پوسته نازک غبار کیهانی سیاره زمین می‌رسد. اخلاق و زیست اخلاقی و نظام‌های ارزشی و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک چنان کثیری از مفاهیم و برساخته‌های مفهومی دیگر از این دست و از این جنس و از این سنخ، هر چند رنگ و لعاب متأخر و عصری دارند لیکن چه بسا مصادیقشان بسیار پیشینه‌تر و دیرینه‌تر از هزاره‌های متأخر بوده و سرخ‌ها و رسته‌های نهان و ناپیدایشان تا لایه‌ها و زیرلایه‌های انسان بودن ما و پیشینگی و دیرینگی صورت و سیمای تاریخی‌شان به قدمت و به پیشینگی و دیرینگی فرایند آغازین‌گذار بشر از مرزها و محدودیت‌های جغرافیای طبیعی و ورود به جغرافیای تاریخی به عقب بازمی‌گردد.

گذار از جغرافیای طبیعی به جغرافیای تاریخی در عدم اتفاق نیفتاده است. در عدم هم افق نگشوده و افتتاح شده و به حرکت درنیامد و استمرار نیافته است. در یکصد میلیارد سلول حیاتی بشری ما دست کم بیش از سه‌ونیم میلیارد سال میراث جغرافیای طبیعی و شعور طبیعی که متصل و پیوسته عمل می‌کند ذخیره و کنگداری و اندوخته شده است. ذخیره و اندوخته عظیمی از شعور طبیعی ما همه «معضومیت» و رسته‌های متصل و مرتبط و بهم‌پیوسته‌اش. هر نامی که می‌خواهید بر آن بازگردید کدهای ژنتیک، میراث طبیعی، شعور طبیعی، غریزه، فطرت اولیه و ثانویه به تعبیر متفکران سلف، در ذره ذره هستی و حیات ما فعالند. شعور و ذهن بشر تاریخی و تاریخی شده و تاریخمند چنان پوسته‌ای نازک روی همین میراث و شعور و ذخیره و اندوخته عظیم جغرافیای طبیعی به کل هستی و سرچشمه‌اش متصل است و در لایه‌ها و زیرلایه‌های زیرین هستی ما نیز به تعبیر عرفانی و اشراقی و به زبان شریلی حضرت مولوی در مشوی بی‌کیف و بی‌ایاس متصل و فعال است: اشراقی بی‌کیف بی‌ایاس

هست رب الناس را با جان ناس  
شعور و ذهن و دستگاه شناختی و ادراکی بشر تاریخی شده و تاریخمند، تا خرخره تلنبار شده از تجربه‌های راست و ناراست، آزمون و خطا و محاسبات درست و نادرست، موفق و ناموفق است و انباشش پر از دوگانگی و دویاری پر از افهام و اوهام درست و نادرست. در مسیر شناخت پدیدارهای عالم اغلب منفصل عمل می‌کند، دست به مقوله‌بندی به تقسیم‌بندی و پیکربندی می‌زند و دوباره هر آنچه را جزء و لته‌پار و تکه‌پاره‌اش کرده است می‌زند و بشمارش‌شان با زبان اعداد و ارقام ریاضی درمی‌آورد. روی‌شان مفهوم‌سازی می‌کند و بر چشش‌های مفهومی او از جهان از انسان بودن خویش در معلوم و ذهن و عین و دال و مدلول و علت و معلول بر بر می‌کشد تا به فشمشان در آورد؛ حال آنکه پدیدارهای عالم گنجه‌تکه شده نیستند. به هم متصلند و متصل عمل می‌کنند نه منفصل و نه مقوله‌بندی و مفهومی شده‌اند. شعور طبیعی علی‌الخصوص در میان گونه‌های فرگشت‌یافته‌تر جانوران حیات و وحش غبی از نوعی حس مشترک و عاطفه همبستگی مشترک و صیانت و مراقبت از حیات و بقای نوع و نوزادان است. ما آدمیان آن را از عدم پدید نیآورده‌ایم. خیزش‌های عظیم و سرنوشت‌سازی که در سپهرهای ادراکی و تجربه‌های زیسته و فکری و دریافت‌های او از جهان از انسان بودن خویش در آگاهی او اتفاق افتاد بسیار تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز در ادامه حیات و استمرار و بقا و حضور تاریخی و تاریخمند او داشته است. با برآمدن نیاکان هوموساپینس ساپینس یا انسان خردمند ما سویه‌ها و سپهرهای آغازین چنین خیزی را در آگاهی انسان از یکصد هزاره پیش می‌بینیم. دست‌کم مدارک مکشوف و موجود چنین گواهی می‌دهند. کنش‌ها و کشش‌ها و چشش‌ها و خیزش‌های اخلاق نیاکان خردمند ما به دلیل‌ها و علت‌های شناخته و ناشناخته بسیار به‌تدریج وارد سپهری از خلاقیت‌های هنری و ذوقی و زیبایی‌شناختی و رفتارهای آیینی شد که هم نظم و انسجام عاطفی میان افراد گروه را استبرتر و معنوی‌تر می‌کرد

تصور غالب میان انسان‌شناسان و باستان‌شناسان متخصص در آثار به‌جای مانده از جامعه‌ها و جمعیت‌های پیش از تاریخ و نحوه زندگی گونه‌های خوشبشوند و نیاکان کهن بشری ما در روزگاران دیرینه و دیرپا و دراز آهنگ پیش از تاریخ، ششکارگران وحشی و موجودات طعمه و لاشه‌خواری است که با ششکار جانوران حیات وحش و گردآوری گیاهان وحشی امر معاش می‌کردند تا زنده بمانند و به حیات خود ادامه دهند. این تصور و روایت غالب از کنار سویه‌های دیگر زندگی و زیست جهان تشکل‌های گروهی و اجتماعی فرهنگ‌ها و جامعه‌های اندک‌شمار نیاکان آغازین پیش از تاریخی ما خاموش می‌گذرد. سویه‌ها و لایه‌های دیگری که هر چند در چشم نمی‌آیند، لیکن می‌توان در کمان گمان نشانه‌شسان گرفت و ردیابی و رصدشان کرد و از نهانی بیرون‌شان کشید و آشکارشان کرد؛ هر چند به گمان و در مقام نظر و تبیین‌های احتمالی می‌شود طومار ناگشوده‌شان را اندکی گشود و وصف و روایت کرد. محل تردید نیست که در ترازوی داوری دانش دیرین‌انسان‌شناسی و باستان‌شناسی همواره کفه را مفرود و مغفول و نادیده و نهفته بر امر مکشوف و مشهود سنگین‌تر است.

نوشته‌های پیش‌ساز و منطری دیگر به بن‌مایه‌ها و سویه‌ها و لایه‌های نهان تشکل‌های اجتماعی و زیست گروهی نیاکان پیش از تاریخی ما حتی در شکل ساده و ابتدایی و کم‌شمارشان که به روایت دیرین‌انسان‌شناسان از انگشتان دستان ما چند شماری بیش نبوده؛ پرداخته و سلسله مسئله‌ها و مدخل‌ها و مسیرها و پیش‌فرض‌های نظری را به روی مخاطب، بسیار فشرده و کوتاه و فهرست‌وار می‌کشاید. الف) نخست آنکه هیچ تشکل گروهی و اجتماعی حتی در ساده و ابتدایی و کم‌شمارترین صورت و سیمای آن بدون پیش‌زمینه و بن‌مایه نوعی از همبستگی و وفای گروهی و وفاداری و پابندی و پشتیبانی افراد گروه به فکر و فعل و عمل مشترک و نظم و انسجام‌بخشی و ساماندهی هوشمندانه رفتار و زیست گروهی، امکان پدید آمدن و تحققش تصور نیست. شکار جانوران حیات وحش با مخاطرات بسیار مواجه بوده و چه‌بسا همیشه همراه با موفقیت نبوده است. هم ابزارهای لازم و کارآمد و موثر را می‌طلبد است، هم مهارت استفاده از ابزارهای شکار را و هم نظم و دقت و هوشمندی در عمل موفقیت‌آمیز شکار را. خرد و منطق حکم می‌کرده است که پیشاپیش تشکل گروهی و اجتماعی به نوعی رابطه همدلانه و وفای اجتماعی و نوعی نظم و انسجام گروهی، نوعی وحدت و اتفاق نظر هم، در سطح اندیشه و نظر، هم در میدان عمل دست‌یافته باشد. به وفای و همکاری گروهی وفادار مانده و پابند بوده باشد. افراد گروه به‌نوعی احساس مسئولیت و همکاری و همیاری به سرنوشت هم در مسیر تضمین امنیت گروه و رفع و دفع خطر و مخاطرات پیش رو پیشاپیش دست یافته باشند.

بدون نوعی احساس و عاطفه صیانت و مراقبت از نوزادان و پرورش و آموزش آنها متناسب با نحوه زندگی و تشکل گروهی و اجتماعی که در آن فرزندان گروه زاده می‌شده‌اند و کوتاه سخن آنکه بدون نوعی وحدت نظر و عمل بر مدار یک سلسله از ارزش‌ها و زیست اخلاقی و مراعات اخلاق و آداب و روابط و مناسبت زندگی گروهی حتی در صورت و سیمای ساده و ابتدایی آن، نه امکان تحقق و پدید آمدن تشکل گروهی و نه ادامه و استمرار حیات گروه اجتماعی تصور و نه در ذهن می‌کنید. انسان‌شناسان قوم‌شناس و متخصصان فرهنگ‌های قومی و بومی روزگار ما شواهد و قرائن قابل اعتماد و استناد بسیاری را در اختیار ما قرار می‌دهند که می‌تواند به ما در کشف و تبیین سویه‌ها و لایه‌های مفقود و مغفول و نادیده و ناگفته تشکل‌های گروهی و اجتماعی جامعه‌ها و جمعیت‌های اندک‌شمار خوشبشوند و نیاکان آغازین پیش از تاریخی مدد بسیار برساند.

ممکن است پرسیده شود اگر چنین بوده است و چنین حس‌ها و فکرها و ارزش‌هایی در انسجام و تشکل حیات گروهی جمعیت‌های پراکنده و اندک‌شمار گونه‌های خوشبشوند و نیاکان پیش از تاریخی ما داخل و موثر بوده‌اند چرا بی‌همی‌پوشایی و پناهندگی و ناپیدایی و منقرض شدنند؟ سوال نیکو و بجایی است لیکن پاسخ این است که توانایی تاب‌آوری انسان در مواجهه با چالش‌های طبیعی و چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی و تاریخی و فرهنگی محدود است و بی‌سقف و بی‌مرز نیست. یک سرمای شدید و گرم‌ای بیش و قحطی و گرسنگی و عدم دسترسی به آب و غذای کافی برای ادامه حیات یا شیوع انواع ویروس‌ها و بیماری‌ها و تهدیدها با امکانات بسیار محدودی که تشکل‌های گروهی کم‌شمار گونه‌های خوشبشوند و کهن پیش از تاریخی ما در اختیار داشتند کیفیت و حمایت از ادامه حیات آنها را نمی‌کرده است و سسر از فروپاشی و نابودی و انقراضشان بر می‌کشیده است. نقش و سهم اخلاق زیست گروهی و وفای و وفاداری و التزام به نوعی از ارزش‌ها و زیست اخلاقی تأکید می‌کنم، حتی در صورت و سیمای ساده و ابتدایی‌شان و احساس مسئولیت و به سرنوشت گروه و ادامه حیات و استمرار حیات گروهی نیاکان خردمند ما که تنها گونه به جای مانده از خوشبشوندان پیشین بشری ما روی پوسته نازک غبار کیهانی سیاره زمین هستند، بسیار موثر و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بوده است. دیرینگی و پیشینگی زیست اخلاقی در صورت و سیمای سویه‌های تاریخی و فرهنگی و اجتماعی‌شان به دیرینگی

مسئله فاعل التحصیلی اینجاب نیلوفر و کیلیسی فرد فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۰۰۱۲۲۱۳۹۴۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی معماری صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی به شماره ۱۳۹۳۱۰۱۰۲۶۵۵ به تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۹ مفقود گردیده است. از پاینده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران- سوهانک- بلوار ارتش- میدان قائم خیابان خندان خیابان سلماس ارسال فرماید.

مسئله فاعل التحصیلی اینجاب نیلوفر و کیلیسی فرد فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۰۰۱۲۲۱۳۹۴۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی به شماره ۱۳۹۳۱۰۱۰۴۴۳۸ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۱ مفقود گردیده است. از پاینده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران- سوهانک- بلوار ارتش- میدان قائم خیابان خندان خیابان سلماس ارسال فرماید.

مسئله فاعل التحصیلی علیرضا قناد دزفولی فرزند عبدالرحمن به شناسنامه ۱۷۹ صادره از دزفول در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی مهندسی کامپیوتر- کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۲۱۱۵۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کنپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

قوه قضائیه - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان  
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان- ناحیه یک  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی  
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ری شماره ۱۳۹۳۰۰۱۳۱۴۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان- ناحیه یک تصرفات مالکانه بلاعراض متقاضی خاتم‌فاطمه‌بانی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۲۱۳۳ صادره از همدان در ششادگ اعیانی یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۶۶/۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۹۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در حومه بخش سه همدان به نشانی میدان عباس آباد، جاده گنجنامه، بالاتر از موقعیت شهید قاسمی که خود متقاضی مالک‌رسمی می‌باشد. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دونیت به فاصله ۱۵ روز آگهی شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بهیچ است در صورت نقضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.  
شماره الف: ۱۷۶۴ - شناسه آگهی: ۱۸۳۳۹۵۲  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

قوه قضائیه - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان  
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان- ناحیه یک  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی  
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ری شماره ۱۳۹۳۰۰۱۰۰۳۱۳۳۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان- ناحیه یک تصرفات مالکانه بلاعراض متقاضی آقای عنایت‌الله فعله‌گری فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۵۷۷ صادره از قروه در ششادگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۵/۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۱۹ الفی ۱۲۱ فرعی از ۴ اصلی واقع در حومه بخش سه همدان به نشانی گکوی خاتم، کورچه شبنم خربداری مع الرسطه مالکین رسمی آقایان غلامعلی نوروزیان، علی اکبر عزیز، عباس منوچهری، فتحعلی منوچهری، میرزا علی نوروزیان، شیراز منوچهری، براتملی منوچهری، و سهراب منوچهری، محرز گردیده‌است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دونیت به فاصله ۱۵ روز آگهی شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بهیچ است در صورت نقضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.  
شماره الف: ۱۷۶۴ - شناسه آگهی: ۱۸۳۳۹۵۲  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

مجری انحصاری تبلیغات  
دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی  
سیهر جوان  
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN  
www.fdn.ir روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline